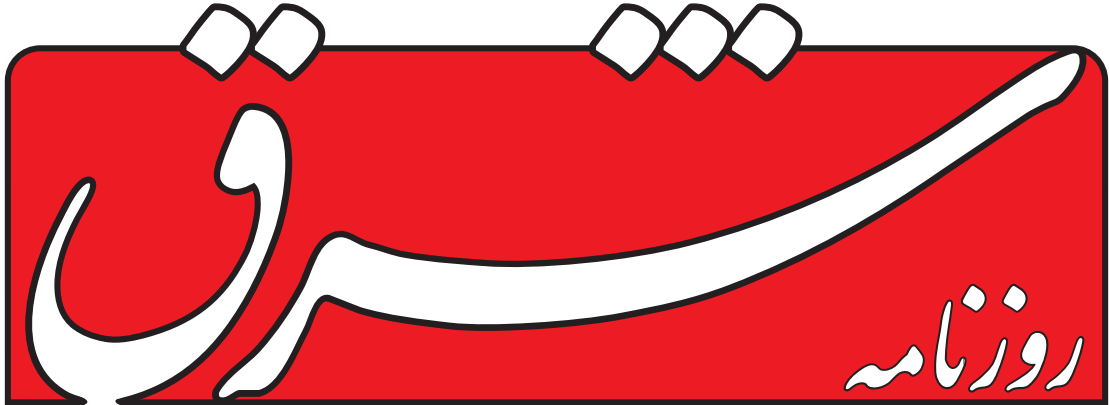




احمدغلامی

هر شخصیت سیاسی دیگری که در انتخابات ۱۴۰۳ پیروز می‌شود، چه باورهای دموکراتیک داشت و چه نداشت، باید قید مردم به معنای دموکراسی خواهان حداکثری را می‌زد؛ زیرا حتی آنان که پای صندوق رای رفته‌اند، بیش از آنکه دغدغه دموکراسی و نهادهای دموکراتیک را داشته باشند، در پی دولتی کارآمد بودند. دولتی که از سخنان و کردارهای غیرعقلانی پرهیز کرده و در پی رفاه و آسایش آنان باشد. متأسفانه این واقعیت وجود دارد که دولت چهاردهم بنا بر فرض اینکه به دموکراسی حداکثری هم باور داشته باشد، به واسطه رای‌دهندگان خود نمی‌تواند «مردم- بماند» را مخاطب قرار دهد. این‌گونه که پیداست، رئیس‌جمهور نیز از این نقیصه آگاه است. مگر اینکه اطرافیانش درصدد باشند از او چهره‌ای بسازند که با وضعیت وجودی او و دولتش متفاوت است. مسئله اصلی اینجا، است. مردم دولت‌های دموکراتیک را روی کار می‌آورند تا نماینده آنان باشد و در برابر دولت‌های تمامیت‌خواه مردم خودشان را می‌سازند. بی‌اغراق این نکته حائز اهمیت در همه دولت‌ها نادیده گرفته شده است. تجربه نشان داده در جامعه ایران، با طیف‌های مختلفی از مردم روبه‌رو هستیم. یکی از این طیف‌ها، طیفی است که دموکراسی خواه است و امر سیاسی برایش در اولویت. طیف دیگری اولویتش امر اقتصادی و رفاه و آسایش است؛ در نزد این طیف، منافع اقتصادی بر دیگر جنبه‌های زندگی می‌چربد. طیف دیگر که بر ساخته دولت‌های تمامیت‌خواه هستند، برای تحقق یا صیانت از مرام و ایدئولوژی خاص یا به میدان می‌گذارند. بدیهی است همه این طیف‌ها از دولت انتظار رفاه و آسایش دارند. اما مسئله اینجا اولویت‌هاست. اگر این اولویت‌بندی را بپذیریم، به روشنی درخواستیم یافت مواجهه جدی بین طیف‌هایی که اولویت‌شان امر اقتصادی است، با طیف‌های امر سیاسی وجود ندارد. مواجهه جدی در بین طیف‌هایی است که خواهان دموکراسی‌اند و امر سیاسی را دنبال می‌کنند با طیف‌های ایدئولوژیک که پاینده به مرام و مسلکی هستند. رؤسای جمهوری که اولویت آنان امر سیاسی بود، از جمله سیدمحمدخامنی و حسن روحانی، با بیشترین تنش به کار خود پایان دادند. خاتمی خوش‌گرایشی بود که در میان دموکراسی‌خواهان عاقبت‌به‌خیر شد و با دستاوردهای اقتصادی قابل قبول و ایجاد فضای دموکراتیک توانست جلوی افکار افراد تمامیت‌خواه و حامیانش بایستد و با همه تنش‌های به‌وجودآمده، کارنامه قابل قبولی از خود به یادگار بگذارد. اما در سطح کلان‌تر، یعنی ایجاد جریان ماندگار از مردمی که اولویت آنان دموکراسی و امر سیاسی بود، چندان موفقیتی به دست نیاورد. شاید به همین دلیل است مردمی که یک در طیف دموکراسی‌خواهان قرار دارند، چندان گرایشی به رویکرد سیاسی سیدمحمدخامنی و اصلاح‌طلبان ندارند. حسن روحانی با سیاست یک‌پام و دو هوا در قبال مردم نتوانست از قدرت آنان استفاده کند. او در مواجهه با تفکرات تمامیت‌خواهان، بازنده میدان بود. این‌گونه به نظر می‌رسد که خود نیز چندان باور راسخی به دموکراسی نداشت؛ پس در میدان درگیری با طیف‌های ایدئولوژیک نتوانست نقش آفرینی کند. نکته باریک سیاست‌ورزی در ایران همین‌جاست: کدام مردم؟ رئیس‌جمهور از جانب کدام مردم سخن می‌گوید؟ همه رؤسای جمهور برای تسهیل کارشان بدون استئانتان این جمله را تکرار کردند: من رئیس‌جمهور همه مردم هستم! آیا واقعا می‌تواند این‌گونه باشد؟ قطع به یقین در جامعه ایران چنین چیزی به دشواری ممکن است. اینجا گرایش‌ها دعواهای سیاسی است؛ چراکه در نهایت آنچه منافع سیاستوران را تأمین می‌کند یا به خطر می‌اندازد، همین مردمی‌اند که باورهای دموکراسی‌خواهانه دارند و اولویت‌شان امر سیاسی است و از همین رهگذر است که در پی ایجاد رفاه، آسایش و امنیت خویش هستند. در انتخابات ۱۴۰۳ این طیف از مردم سیاست‌سلی را اختیار کردند، اما آشکار بود آنان اگر فرصت پیدا می‌کردند، برای تغییر دست بالا را داشتند. در گذشته این طیف از مردم با سیاست‌های دولت و جناح اصلاح‌طلب همراه می‌شدند و درصدد بودند تغییرات را به میانجی دولت اصلاح‌طلب بیکری کنند. در آن زمان، آنان دست بالا را نداشتند و به همین دلیل بود که می‌خواستند با میانجی دولت‌ها سیاست‌ورزی کنند، اما اینک با نایم‌بند یا در پی تغییر از کانال‌های غیردولتی هستند. رئیس‌جمهور به سختی می‌تواند مطالبات این طیف از مردم را محقق کند. اگر هم به ناچار چنین کند، دچار وضعیتی خواهد شد که دولت‌های خاتمی و روحانی با آن روبه‌رو شدند و تجربه موفقی در این زمینه نداشتند.

شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۳
۵ صفر ۱۴۴۶
۱۰ آگوست ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۹۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



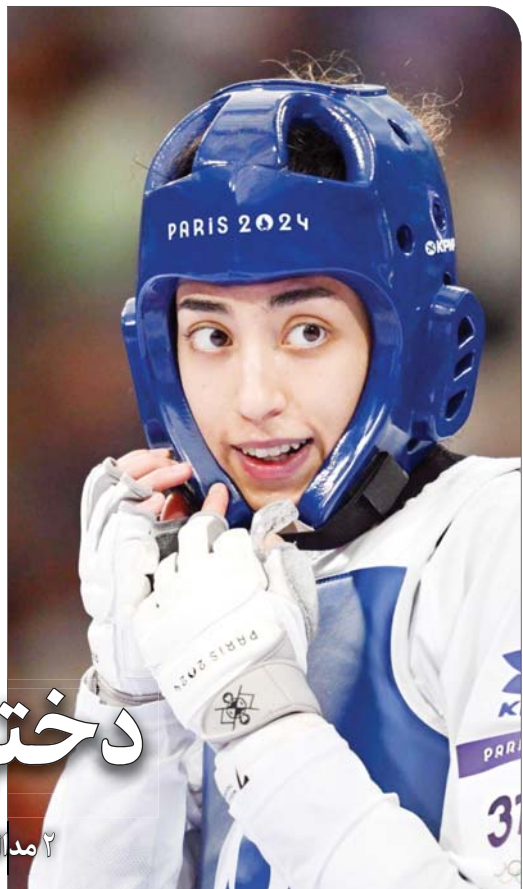
یادداشتی از پژمان جوزی
نگرانی‌های منسوخ
را کنار بگذارید



در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» از تأثیر تحولات جنگ غزه بر پاسخ ایران به اسرائیل گزارش می‌دهد؛ پاسخ تهران به وقت غزه • آغوشی که نباید سانسور می‌شد / گیسو فغفوری

گفت‌وگو با چهره‌ها و فعالان حقوق زنان درباره ضرورت بهره‌مندی از زنان و جوانان در کابینه

بزنگاهی تاریخی برای زنان



اسم ۳ زن در تاریخ ورزش ایران ماندگار شد دختران سرزمین مادری

۲ مدال طلا، ۱ مدال نقره و ۱ مدال برنز در المپیک / سوغات فرنگی

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید. عکس: Gettyimages

یادداشت

که عشق آسان نمود اول



مهرداد احمدی شیخانی

۸۰ ساله، قرار است به دولت چهاردهم بیایند؛ تا جایی که یکی از اعضای شورای راهبری گفت «من حساسیتی به وزرا ندارم، حتی اگر جناب مشاور عالی، فلانی را بکنند وزیر نیرو». و ما جماعت بیرون از کوه، مانند یک چه خبر است آن داخل که تازه همین‌قدر از کوه بیخ را می‌بینیم. آدمی نقد کنیم و اینجا و آنجا در فضای مجازی، نقدی هم بکنیم، اما بعد بقیه خود را گرفتیم که های! مگر تو همان نبودی که با وجود اصلاح‌طلبی، به ماجرای استعفا و تحسن در مجلس ششم معترض بودی، حالا چه شده که چنین تند می‌روی؟ و این‌طور است که ماجرا سخت می‌شود. از یک طرف می‌دانی که اگر این انتقادهای روشن و صریح نبود، چه‌بسا دولت چهاردهم تبدیل می‌شد به ادامه دولت سیزدهم (اگر تا حالا نشده باشد) و از طرفی این را خوب می‌دانی که آن تجربه عبور از خاتمی می‌تواند امروز به تجربه عبور از پزشکیان تبدیل شود. واقعا چطور می‌توان منتظا از رویابافی و خیال‌پردازی دست کشید، وقتی وجود ما در همه این سال‌ها با آرزوهای دور و دراز آکنده شده؟ به خود نهب می‌زنم که همیشه به دیگران خرده گرفتی که آرزو را به جای واقعیت می‌نشانند، از کجا معلوم که تو خودت هم به این بیماری گرفتار نشده باشی و مگر نه اینکه تا سه ماه پیش، حداکثر می‌خواستی یک مدیرکلی، یک جایی، در یک وزارتخانه‌ای باشد که زیاد اذیت نکند و بنشان دو کلمه منطقی با او حرف زد، یا مگر همین تو نبودی که گفتی نذر کرده‌ام پزشکیان رئیس‌جمهور شود تا دو روز در هفته بروم در وزارت ارشاد مجانی کار کنم؟ حالا چه شده که این‌قدر متوقع شدی؟ مگر نه این است که همیشه به تاسی از مرحوم مهندس بازرگان می‌گفتی در سیاست باید «گام به گام» عمل کرد، چه شده که حالا می‌خواهی یک شبه، آن هم بعد از حدود ۲۰ سال که اصلاحات همچون کفر ابلیس بود، کارها بسامان شود؟ حقیقت این است که جهشی در کار نیست و جز صبر و صبوری چاره‌ای نداریم. کار اگرچه در گفتن ساده است، اما در عمل اصلا به این سادگی نیست.

یادداشت

موتورسیکلت سواران و مسئولیت مدنی مؤسسات



سرتیپ سیدتیمور حسینی

رئیس پلیس راهور فراجا

فروش حقوق عامه از طریق ترویج بی‌تکلیفی به منظور نیل به حداکثر فروش و سود به قیمت بدمواری اجتماعی است. اصولا افراد در پرداختن به تجارت، صنعت و خدمات به منظور کسب سود آزاد هستند، اما نباید از این آزادی در جهت تضار به دیگران سوءاستفاده کنند. کارخانه‌های تولید موتورسیکلت‌سازی یا بیک‌های موتور بهره‌بردارانی را مؤسسات رسانه‌ای و تبلیغاتی باید بدانند که اجرای مسئولیت اجتماعی باعث می‌شود مؤسسات و شرکت‌ها علاوه بر تعهد به ارزش‌های بلندمدت و پایدار زیست‌جمعی و محیطی، در ایجاد تغییرات مثبت و بهبود جوامع محلی خود نقشی فعال ایفا کنند و در واقع بین اقتصاد خود و پیامدهای اکوسیستمی آن تعادل ایجاد کنند.

به نظر می‌رسد مؤسسات، اعم از تولیدی، خدماتی و تبلیغاتی، به‌جای تمرکز بر سرعت غیرمجاز و مانورهای خطرآفرین راگبین که قربانیان و خسارت‌کنندگی به جامعه تحمیل می‌کند، بهتر است بر مسئولیت مدنی خود تمرکز بیشتری داشته باشند و بر نحوه تردد و کیفیت رانندگی بهره‌برداران خود نظارت (با کمک شبکه‌های مردمی و نرم‌افزارهای هوشمند) و ارزش بالاتری قائل شوند؛ زیرا بر اساس قاعده قصور و تقصیر تضار به غیر از طریق عدم آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح و نظارت فنی می‌تواند سهمی از مسئولیت‌های کیفری و مدنی را در صورت شکایت زیان‌دیدگان متوجه مؤسسات متخلف کند.

بنده این را به‌عنوان هشدار اول به صاحبان کسب‌وکار اعلام می‌کنم: «شما تحت رصد و پایش ما در فضای مجازی و میدان هستید».

تلویزیون را روشن می‌کنید، شاهد پخش آگهی تبلیغات فلان شرکت فروش موتورسیکلت هستید تحت این عنوان که مثلا یکی به دیگری می‌گوید شما چطور می‌توانید زود رسیدید؟ و طرف که موتورسیکلت خریده، پاسخ می‌دهد چون دیگر هیچ سدی سراه من نیست! (منظور پنهان عدم رعایت آیین‌نامه راهنمایی رانندگی در تردهای شهری است).

گوشی خود را دست می‌گیرید تا نکاهی به شبکه‌های اجتماعی بیندازید؛ تبلیغاتی می‌بینید که یکی از چند بیک‌موتوری حمل غذا ویدئویی ساخته که یک موتورسوار فاصله اجاق آشپزخانه تا زنگ منزل سفارش‌دهنده را با پرزور و مانورهای عجیب و غریب خیابانی طی می‌کند و... تمام این تبلیغات‌ها مولد فرهنگ غلط اندر غلط نحوه استفاده از موتورسیکلت در معابر پیاده و سواره و خطوط مجاز و غیرمجاز خصوصا در شهرهاست که متأسفانه بالای جان مردم اعم از خردسال و کهنسال و زنان و مردان پیاده و سواره شده‌اند. ما می‌پذیریم که بخش درخور توجهی از مردم عزیز کشور امروزه از موتورسیکلت مانند سایر نقاط جهان به‌عنوان وسیله کسب درآمد بهره می‌برند، ولی آیا این بهانه امرام مجوزی برای عدم رعایت قوانین و به خطر انداختن جان خود و امنیت روانی و جسمی و مالی دیگران و آسیب به چهره شهرهاست؟ طبق قوانین، موضوع تبلیغات باید به نحوی ارائه شود که مصرف‌کننده را به اشتباه نینداخته و گمراه نکند و حسن مزایای جنس فروخته‌شده و به‌کارگیری‌شده، سهولت تجاوز به حقوق عامه یا مشمول تزییات قانونی نشدن در یک روند و فرایند عمومی نباشد. مثلا ما نمی‌توانیم تبلیغ کنیم که اگر این کالا را بخرید یا نصب کنید دیگر لازم نیست در نوبت بمانید، یا در هر مکانی وسیله نقلیه خود را پارک کنید، یا آیین‌نامه‌های نحوه تردد را رعایت نکنید؟ این در واقع

برگزیده‌ها

گزارشی از تأثیر منفی ناترازی برق بر فعالیت واحدهای تولیدی و هزینه‌های زیادی که نصب صنعت شده است

صنایع در چاله شوک‌های انرژی

گزارش «شرق» از افزایش رد مراه‌های غیرقانونی همراه با برخورد‌های شدید با اتباع

بدن‌های بی‌مکان

گفت‌وگو با مرجانه کلچین به بهانه بخش «جوکر بانوان» خانم‌ها در عرصه کم‌دی چیزی از آقایان کم ندارند

گفت‌وگوی «شرق» با یک خبرنگار باسابقه که حالا بیمار است

حقوق ناچیز ماهانه کفاف هزینه‌های درمان را نمی‌دهد

برنده جایزه صلح نوبل با تمجید «انقلاب دوم»، به‌عنوان رهبر موقت بنگلادش سوگند یاد کرد

آینده مبهم «داکا»

یادداشت

نگرانی‌های منسوخ را کنار بگذارید

پژمان جوزی

رئیس انجمن صنعت‌ساختان

متأسفانه نظرات غیرکارشناسی و بعضا متفاوت با علم روز و نیازهای شهرهای بزرگ، در بین مسئولان کم نیست؛ اما آساف از آنجا بیشتر می‌شود که مسئولی با مدرک و جایگاه نسبتا مرتب، به‌گونه‌ای سخن بگوید که از علم روز فاصله معناداری داشته باشد. چندی پیش سخنانی خواندم از چمران، رئیس شورای شهر تهران که امیدوارم سخنان ایشان به این صورت نبوده باشد و تکذیب شود. ایشان در سخنانی گفته‌اند: «ایجاد ساختمان‌های بالای ۱۲ طبقه باید مجوز شورای عالی معماری و شهرسازی را داشته باشد و هفت معاون وزیر درباره آن نظر دهند و شهرداری نمی‌تواند مجوز آنها را صادر کند. بلندمرتبه‌سازی ضوابطی دارد که در شورای عالی معماری و شهرسازی هنوز تصویب نشده است. ما ضوابط را به این شورا دادیم و گفتند که ما مشخص می‌کنیم که بلندمرتبه‌ها در چه بخش‌هایی ساخته شود که هنوز به نتیجه نرسیده است و هنوز بلندمرتبه‌سازی در پایتخت مصوبه ندارد. با بلندمرتبه‌سازی که تراکم آن از میانگین تراکم ساختمان‌های سطح شهر بیشتر باشد، اصلا موافق نیست؛ تنها به این شرط موافقم که در مساحت بلندمرتبه‌هایی که ساخته‌ایم، فضای سبز ایجاد کنیم. ساخت آسمان‌خراش در شهر و ایجاد مزاحمت برای مردم هنر نیست. به‌عنوان معمار شهرساز، با بلندمرتبه‌سازی که تراکم آن از میانگین تراکم ساختمان‌های سطح شهر بیشتر باشد، اصلا موافق نیست؛ تنها به این شرط موافقم که در مساحت بلندمرتبه‌هایی که ساخته‌ایم، فضای سبز ایجاد کنیم. ساخت آسمان‌خراش در شهر و ایجاد مزاحمت برای مردم هنر نیست. بد نیست رئیس محترم شورای شهر تهران بدانند که بلندمرتبه‌سازی، آن هم بیش از ۱۲ طبقه، تنها هنر است، بلکه نشان‌دهنده علم و قدرت سازنده، طراح و کشوری است که چنین آسمان‌خراش‌هایی را در خود جای داده و نظر مردم را هم به خودشان می‌سپاریم.